

Research
Article

An Investigation into the Mediating Role of Attitudes towards Substances in the Relationship of Critical Thinking, Media Literacy, and Socialization with the Tendency toward Substance Use in Adolescent Girls

Fatemeh Beiklou¹, HosseinAli Mehrabi²

Received: 2024/05/14

Accepted: 2025/05/19

Abstract

Objective: The present study aimed to investigate the mediating role of attitude toward substances in the relationship between critical thinking, media literacy, socialization, and propensity for substance use among adolescent girls in Isfahan.

Method: This was a descriptive-correlational study using a structural equation modeling approach. A convenience sample of 300 adolescent girls aged 13 to 18 from the city of Isfahan was selected. The instruments used in this study included questionnaires to measure propensity for addiction, critical thinking skills, socialization, media literacy, and attitude toward addiction. Structural equation modeling with AMOS-24 software was used to analyze the research model.

Results: The results showed that critical thinking had a significant direct effect on propensity for substance use. In addition, attitude toward substance use significantly mediated the links of critical thinking and media literacy to propensity for addiction.

Conclusion: According to the findings, by enhancing critical thinking and media literacy and consequently fostering a negative attitude toward substance use, it is possible to reduce the propensity for substance use in adolescents. Therefore, it is suggested that educational systems take steps to improve adolescents' critical thinking skills and media literacy to facilitate a change in their attitudes and propensity for substance use.

Keywords: Critical thinking, Socialization, Media literacy, Propensity and attitude toward substance use, Adolescent girls

1. MA, Department of Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

2. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: h.mehrabi@edu.ui.ac.ir

بررسی نقش میانجی نگرش به مواد در رابطه تفکر انتقادی، سواد رسانه‌ای و جامعه‌پذیری با گرایش به مصرف مواد مخدر در دختران نوجوان

فاطمه بیگ‌لو^۱، حسینعلی مهرابی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی نگرش به مواد در رابطه تفکر انتقادی، سواد رسانه‌ای و جامعه‌پذیری با گرایش به مصرف مواد مخدر در دختران نوجوان شهر اصفهان انجام شد. **روش:** مطالعه حاضر توصیفی - همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود. از میان نوجوانان دختر ۱۳ تا ۱۸ سال شهر اصفهان، ۳۰۰ نفر به شیوه در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسش‌نامه سنجش میزان گرایش به اعتیاد، مهارت‌های تفکر انتقادی، جامعه‌پذیری، سواد رسانه‌ای، و نگرش نسبت به اعتیاد بود. به منظور تحلیل مدل پژوهش، از مدلسازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار AMOS-24 استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که تفکر انتقادی بر گرایش به مصرف مواد مخدر اثر مستقیم معناداری داشت. به علاوه، نگرش به مصرف مواد مخدر در رابطه تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای با گرایش به اعتیاد دارای نقش میانجی معناداری بود. **نتیجه‌گیری:** طبق نتایج، با ارتقاء تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای و متعاقباً ایجاد نگرش منفی نسبت به مصرف مواد مخدر می‌توان گرایش به مصرف مواد در نوجوانان را کاهش داد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود سیستم‌های آموزشی در راستای بهبود مهارت‌های تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای نوجوانان گام برداشته تا زمینه تغییر نگرش و گرایش آنان به مصرف مواد مخدر فراهم گردد. **کلیدواژه‌ها:** تفکر انتقادی، جامعه‌پذیری، سواد رسانه‌ای، گرایش و نگرش به مصرف مواد مخدر، نوجوانان دختر

۱. کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. پست الکترونیک:

h.mehrabi@edu.ui.ac.ir

مقدمه

دوران نوجوانی از مهمترین و بحرانی ترین دوران زندگی می باشد که به عنوان دوره گذار از کودکی به بزرگسالی تعریف می شود. نوجوانان از لحاظ عاطفی نابالغ، از نظر تجربه محدود و از نظر اجتماعی بسیار شکننده و تاثیرپذیر هستند. بنابراین، نوجوانی را یکی از دوره های حساس و آسیب پذیر در زندگی هر فردی می دانند (بشرپور و محمدنژاد دوین، ۱۴۰۱). از طرفی، امروزه یکی اعتیاد^۱ یکی از معضلات اساسی کشورهای جهان است. شواهد نشان می دهد اوج ظهور استعداد اعتیاد اوایل نوجوانی تا اوایل جوانی است و همبستگی بالایی بین مصرف مواد مخدر نوجوانان و تبدیل شدن به یک مصرف کننده مواد مخدر در بزرگسالی وجود دارد (آجیلور و عبدل^۲، ۲۰۲۱). افرادی که در سنین نوجوانی به صورت تفریحی مصرف مواد مخدر را آغاز می کنند، در آینده بیشتر دچار اختلال مصرف مواد شده و این اختلال موجب بروز موانع عمده ای در مسیر رشد آنان و تهدید جدی سلامت روان جامعه می باشد (کرونجیو^۳ و همکاران، ۲۰۲۰). در سال های اخیر، مصرف مواد مخدر در میان دختران نوجوان به یک چالش اجتماعی و بهداشتی تبدیل شده است که نیازمند بررسی های دقیق و راهکارهای مؤثر است. به طوری که مطابق با آمارهای موجود حدود ۱۶ درصد مصرف کنندگان مواد در ایران کمتر از ۱۹ سال دارند و گسترش اعتیاد در زنان افزایش چشمگیری داشته است (صدری دمیچی و همکاران، ۱۳۹۷). علاوه بر این، آمارها و تحقیقات متعدد نشان می دهند که درصد دختران نوجوانی که به سمت مصرف مواد مخدر کشیده می شوند، در حال افزایش است. به عنوان مثال، بر اساس گزارش های ستاد مبارزه با مواد مخدر ایران، از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ سهم دختران نوجوان در میان مصرف کنندگان مواد مخدر به طور قابل توجهی افزایش یافته است. ضمن آنکه امروزه گرایش دختران نوجوان به سمت مصرف سیگار و قلیان و مشروبات الکلی طبق آمار افزایش یافته است و واضح است که مصرف این مواد خود می تواند دروازه ورود به مصرف مواد مخدر باشد (یازرلو، ۱۴۰۱). این گزارش حاکی از آن است که در

1. addiction

2. Ajilore & Abdul

3. Corongiu

برخی مناطق، درصد دختران وابسته به مواد مخدر به ۳۰ درصد از کل مصرف کنندگان مواد مخدر در سنین نوجوانی رسیده است (عشایری و همکاران، ۱۴۰۳ الف). شهر اصفهان به عنوان یکی از شهرهای بزرگ و فرهنگی ایران با مشکلات خاص فرهنگی و اجتماعی در این زمینه مواجه است. با توجه به نقش های ویژه دختران در آینده و مشکلات دو چندان آنان، فهم عواملی که نوجوانان را به سمت مصرف مواد مخدر سوق می دهد، ضروری است (توماسیوس^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). پژوهشگران عوامل گرایش به مصرف مواد را بر اساس شرایط هر منطقه و عوامل خانوادگی، اجتماعی (گودرزی و اله دادی، ۱۴۰۳) و اقتصادی، ژنتیکی و روان شناختی متفاوت می دانند (مردای شکیب و همکاران، ۱۳۹۶). نظریه استعداد اعتیاد^۲ (اعتیادپذیری) بر این باور است که برخی افراد با اعتیادپذیری بالا مستعد مصرف مواد و دچار شدن به اختلال اعتیاد می باشند (لوران^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). بر اساس مطالعات، عوامل خطر متعددی در سطح اجتماعی و فردی زمینه ساز گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر می باشد. در سطح اجتماعی می توان به عواملی همچون فشار همسالان و نگرش آنان به اعتیاد (ایست^۴ و همکاران، ۲۰۲۱) و در سطح فردی به عواملی همچون مواجهه با مشکلات و مسائل متعدد و عدم بهره مندی از مهارت های مختلف اشاره کرد (برتلسون^۵ و همکاران، ۲۰۱۷) که می تواند عامل بالا رفتن آسیب پذیری نوجوانان نسبت به مصرف مواد گردد (آلگارنی^۶ و همکاران، ۲۰۲۱).

در ارتباط با عوامل پیشگیری کننده گرایش به اعتیاد در نوجوانان، نقش مهارت تفکر انتقادی^۷ توسط برخی از محققان مورد توجه قرار گرفته است. تفکر انتقادی یکی از مهارت های زندگی است که به عنوان هنر تجزیه و تحلیل و ارزیابی تفکر تعریف می شود (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰). ارتقاء تفکر انتقادی باعث می شود که فرد قابلیت های ذهنی و شناختی و تفکر مستدل و واقع بینانه خود را بهبود بخشیده و به جای گرایش به مصرف مواد برای حل مسائل روزمره خود به تجزیه و تحلیل دقیق و حل مسائل پردازد (ناول^۸،

1. Thomasius
2. addict prone theory
3. Levran
4. East

5. Berthelsen
6. Algarni
7. critical thinking
8. Nawal

۲۰۲۴). نوجوانانی که دارای مهارت‌های تفکر انتقادی بالا هستند، قادرند پیام‌های رسانه‌ای و اجتماعی را به طور مؤثرتری تحلیل کنند و در مواجهه با فشار همسالان مقاومت کنند. این افراد معمولاً توانایی بهتری در شناسایی خطرات و عواقب منفی مصرف مواد دارند. آموزش مهارت تفکر انتقادی موجب توانمندسازی آنان در جهت غلبه بر ضعف‌های شناختی شده (براتی، ۱۴۰۱) و با استفاده از تفکر کارآمد در مواجهه با فرصت‌های گرایش به مصرف مواد مخدر منجر به اتخاذ تصمیم درست و عدم مصرف مواد می‌گردد (اقدام پناه فومنی و همکاران، ۱۴۰۳). بر این اساس، تفکر انتقادی به نوجوانان کمک می‌کند تا پیام‌های رسانه‌ای را به طور مؤثرتری تحلیل کرده و از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی خود دفاع کنند. بنابراین، تفکر انتقادی می‌تواند به عنوان یک عامل محافظتی در برابر اعتیاد عمل کند و ضرورت تعلیم و ترویج آن در بین نوجوانان را دوچندان می‌کند (هاجیها و همکاران، ۱۴۰۰).

برخی مطالعات نشان داده‌اند که جامعه‌پذیری^۱ می‌تواند عامل پیشگیری‌کننده نوجوان در گرایش به مصرف مواد باشد. از دیدگاه تقابل و کنش متقابل نمادین، جامعه‌پذیری به فرآیندهایی اطلاق می‌شود که از طریق آن‌ها فرد هنجارها، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی را از خانواده، گروه‌های همسال و سایر نهادها یاد می‌گیرد (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰). به نظر ویلسون، جامعه‌پذیری فرایندی است که فرد به منزله شخصی آگاه از وجود خویشتن، قادر به کنترل برخوردهایش با دیگران جهت برآوردن انتظارات آنان و خود می‌شود (منصور و کپ^۲، ۲۰۲۴). تحقیقاتی در این زمینه انجام شده است. برای مثال، زینودین حسن^۳ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی پیمایشی تصریح می‌کنند که کودکان با جامعه‌پذیری بالا از درجات محافظتی بیشتری در پیروی از قوانین اجتماعی و هنجارها و اجتناب از رفتارهای ضد اجتماعی همچون مصرف مواد برخوردار هستند. علاوه بر این، مشخص شده است که تقویت جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان موجب درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و تقویت کنترل اجتماعی آنان در مواجهه با مصرف مواد می‌گردد

(عشایری و همکاران، ۱۴۰۳ ب). در پژوهشی، رینولدز^۱ و همکاران (۲۰۲۳) نشان دادند که انحراف در جامعه‌پذیری یک عامل خطر برای اختلال مصرف مواد است. در مجموع، مطالعات تصریح می‌کنند که ضعف جامعه‌پذیری می‌تواند یکی از عوامل گرایش به اعتیاد باشد (دلیک^۲ و همکاران، ۲۰۱۷؛ حسینی، ۱۴۰۰). بنابراین، نوجوانانی که در محیط‌هایی با ارزش‌های مثبت و حمایت‌کننده اجتماعی رشد می‌کنند، احتمال کمتری برای گرایش به اعتیاد دارند. برعکس، نوجوانانی که در محیط‌هایی با فشارهای اجتماعی منفی، بی‌توجهی و فقدان حمایت‌های عاطفی رشد می‌کنند، ممکن است به دنبال تسکین فشارهای زودگذر به سمت مصرف مواد مخدر میل پیدا کنند. بنابراین، بررسی تأثیر جامعه‌پذیری بر گرایش به اعتیاد می‌تواند در شناسایی عوامل خطر و محافظتی در گروه‌های خاص مفید باشد (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰) که نشان دهنده ضرورت بررسی این موضوع در جامعه امروزی می‌باشد.

بر اساس برخی مطالعات، نقش سواد رسانه‌ای در گرایش به مصرف مواد مخدر در نوجوانان قابل توجه است (تریسی^۳ و همکاران، ۲۰۱۷). سواد رسانه‌ای مهارتی در جهت بالا بردن سطح درک افراد برای شناسایی، تجزیه و تحلیل، ارزیابی و تفکیک پیام‌ها است (مک کنا^۴ و همکاران، ۲۰۱۷). امروزه با گسترش رسانه‌ها، جوانان اغلب در معرض تبلیغات مصرف مواد هستند. بنابراین، بررسی تأثیرات مخرب و متقاعدکننده رسانه و تبلیغات در جذب نوجوانان به مصرف مواد ضروری است (لیو^۵ و همکاران، ۲۰۲۴). این به این دلیل است که مافیای مواد مخدر از طریق تبلیغات جذاب و غیر واقعی در رسانه‌ها، نوجوانان را به سمت مصرف مواد مخدر سوق می‌دهند (هیلیارد^۶، ۲۰۱۹). سواد رسانه‌ای بالا می‌تواند به نوجوانان کمک کند تا از اطلاعات غلط و فریبده اجتناب کنند و بهتر بتوانند محتوای رسانه‌ای را ارزیابی و تحلیل کنند. این مهارت در ایجاد آگاهی درباره خطرات مصرف مواد و همچنین تشخیص پیام‌های تبلیغاتی منفی که ممکن است آنها را ترغیب به مصرف مواد کند، حیاتی است (جعفری و صرفی، ۱۴۰۲). زمانی که نوجوانان

در معرض پیام‌هایی مبنی بر کارکردهای مثبت مواد مخدر در زندگی برای حل مشکلات و دغدغه‌های روزمره قرار می‌گیرند، گرایش به مصرف مواد مخدر در آنان شکل گرفته یا تقویت می‌شود (آفدرهاید^۱، ۲۰۱۰). در واقع، اطلاعات و شناخت کسب شده از رسانه می‌تواند منجر به پیش‌بینی قوی‌تر مصرف مواد در دوران نوجوانی گردد (اسکال^۲ و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین، داشتن توانایی رمزگشایی پیام‌های موجود در رسانه و تحلیل آن‌ها در قالب سواد رسانه‌ای (هابز^۳، ۲۰۲۱) برای نوجوانانی که بیشتر روز با انواع رسانه‌ها سروکار دارند، ضروری می‌باشد (بهاتیا^۴ و همکاران، ۲۰۲۳). این در حالی است که جورابچی^۵ و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی که به صورت پیمایشی در بین جوانان مالزی انجام گرفت به این نتیجه رسیدند که اگرچه ارتباط بین سواد رسانه‌ای و مصرف مواد مخدر معنی‌دار نیست، اما ارتباط بین سواد رسانه‌ای و مصرف الکل از نظر آماری معنی‌دار است. بنابراین، با توجه به افزایش دسترسی‌پذیری انواع رسانه‌ها برای نوجوانان، بررسی عامل سواد رسانه‌ای و اثرگذاری آن بر میزان گرایش به اعتیاد در نوجوانان در جامعه فعلی ایران امری ضروری می‌باشد تا بتوان با تحقیقات جدید به این مهم دست یافت که آیا سواد رسانه‌ای می‌تواند پیش‌بینی‌کننده گرایش به اعتیاد نوجوانان باشد؟

در کنار موارد مطرح شده، متغیرهای تفکر انتقادی، سواد رسانه‌ای و جامعه‌پذیری ممکن است صرفاً به طور مستقیم بر گرایش به مصرف مواد مخدر اثرگذار نباشند و متغیرهای زیادی این رابطه را میانجی‌گری کنند که در بین آنها می‌توان به نگرش نسبت به مواد مخدر اشاره کرد. محققان بر این باورند که وابستگی به مواد فرایندی تدریجی است که در ابتدا با نگرش مثبت نسبت به مواد آغاز می‌شود. بنابراین، از دیگر عوامل اصلی گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر، نگرش مثبت نسبت به مصرف مواد مخدر است (فینگلد^۶، ۲۰۲۰؛ مک کنا و همکاران، ۲۰۱۷ و بلوینز^۷ و همکاران، ۲۰۱۸). نگرش ترکیبی از هیجان‌ها و باورها و اعتقادات فرد است که منجر به ایجاد تمایل و دیدگاه مطلوب یا

1. Aufderheide
2. Scull
3. Hobbs
4. Bhatia

5. Joorabchi
6. Feingold
7. Blevins

نامطلوب نسبت به یک موضوع در فرد می شود (کریمی، ۱۳۹۶). از نظر آلبرت الیس، نوع نگرش افراد است که آن ها را سمت مصرف مواد مخدر سوق می دهد یا باز می دارد. نگرش مثبت به مصرف مواد پیش نیاز اختلال مصرف مواد تلقی می شود و موجب شکل گیری مقاصد مصرف مواد می گردد. بنابراین، با ایجاد نگرش منفی نسبت به اعتیاد در نوجوانان می توان اعتیادپذیری آنان را تغییر داد (بلوینز و همکاران، ۲۰۱۸)، زیرا اصولاً نیت و انتخاب های افراد نسبت به مصرف مواد می تواند حاصل نگرش ها و هنجارهای ذهنی آنان باشد (نوافور^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). در نتیجه، با تغییر نگرش های مثبت افراد نسبت به مواد مخدر می توان تغییراتی در نیت و انتخاب ها و تمایلات رفتاری آنان ایجاد کرد (کوتر^۲ و همکاران، ۲۰۰۲). در کل، نگرش مثبت افراد نسبت به مواد مخدر می تواند در گرایش به اعتیاد آنان موثر باشد (دیا لورنز^۳ و همکاران، ۲۰۲۰؛ فینگلد، ۲۰۲۰؛ مک کنا و همکاران، ۲۰۱۷؛ گریتسنکو^۴ و همکاران، ۲۰۱۷). قبادی و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه پیمایشی خود نشان دادند که برخی از متغیرها همچون تفکر انتقادی و سواد رسانه ای می توانند با تغییر نگرش نوجوانان به طور غیر مستقیم گرایش آنان را نسبت به مصرف مواد مخدر تغییر دهند. به طوری که تقویت تفکر انتقادی و سواد رسانه ای موجب ایجاد نگرش منفی نسبت به مصرف مواد مخدر می گردد. کایوکا^۵ (۲۰۱۷) هم طبق مطالعات مداخله ای خود تصریح می کنند که ایجاد نگرش منفی در نوجوانان نسبت به مصرف مواد نیازمند آموزش در راستای رشد مهارت تفکر انتقادی آنان است. بنابراین، ضعف تفکر انتقادی علاوه بر تاثیر مستقیم، به طور غیر مستقیم و بواسطه تاثیر بر نوع نگرش نوجوانان نسبت به مصرف مواد مخدر می تواند زمینه گرایش به مصرف مواد را فراهم کند (براتی و همکاران، ۱۴۰۱؛ المور^۶ و همکاران، ۲۰۱۷؛ تریسی و همکاران، ۲۰۱۷). در این راستا، براتی و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که مداخلات مبتنی بر سواد رسانه ای می تواند نوجوانان را به سمت تصمیم گیری آگاهانه تر و سالم تر در مورد پیامدهای مواد مخدر هدایت کنند. در اصل، سواد رسانه ای به طور معناداری با نگرش های افراد در

1. Nwafor
2. Kuther
3. Di Lorenzo

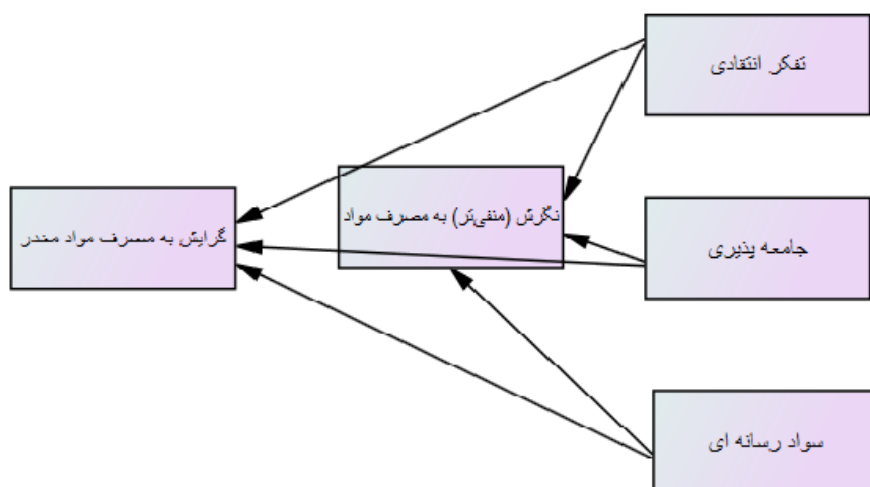
4. Gritsenko
5. Kauka
6. Elmore

حوزه‌های مختلف از جمله مصرف مواد - به عنوان جزیی از بهزیستی روانی - ارتباط دارد (بهرامیان و همکاران، ۲۰۱۸؛ دنیلز و وان‌وینسبرگ^۱، ۲۰۱۷). کلوزی^۲ و همکاران (۲۰۲۲) و پومرنز^۳ و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعات پیمایشی خود نشان دادند که برخی عوامل از جمله عوامل فرهنگی و نوع جامعه‌پذیری نوجوانان می‌تواند در نگرش آنان به مصرف مواد مخدر تاثیر گذار باشد. علاوه بر این، چک^۴ و همکاران (۲۰۲۲) و لونتلیز^۵ و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعات خود اذعان کرده‌اند که جامعه‌پذیری ضعیف با تاثیر بر ایجاد نگرش مثبت به مصرف مواد مخدر می‌تواند زمینه‌ساز گرایش به مصرف مواد مخدر باشد.

همانطور که بیان شد گرایش به مصرف مواد به عنوان یکی از چالش‌های اساسی اجتماعی و بهداشتی نوجوانان در دنیای مدرن امروزی توجه محققان بسیاری را به خود جلب نموده است. به طوری که آنان معتقدند راهکارهای رفع این مسئله بایستی متناسب با عوامل خطر ساز دنیای مدرن امروزی تدوین شود (مرادی شکیب و همکاران، ۱۳۹۶). در سال‌های اخیر، با توجه به تغییرات فرهنگی و اجتماعی جامعه از جمله دسترسی گسترده زنان و دختران به امکانات تحصیلی و آزادی‌های اجتماعی، دسترسی نوجوانان به شبکه‌های اجتماعی و اینترنت، تغییر سبک فرزندپروری والدین و تغییر سبک سنتی زندگی به مدرن (جعفری و صرفی، ۱۴۰۲)، خصوصاً در کلان شهرهایی مثل اصفهان، میزان گرایش به مصرف مواد مخدر در بین دختران نوجوان افزایش یافته است که نیاز به بررسی و تحلیل عمیق‌تر را برجسته می‌کند. با توجه به متنوع بودن علل گرایش به مصرف مواد مخدر در گروه‌های جمعیتی مختلف، خصوصاً آسیب‌پذیری بالای دختران نوجوان نسبت به خسارت‌های جبران‌ناپذیر اعتیاد در زندگی فردی و اجتماعی آنان و افزایش گرایش به اعتیاد در میان نوجوانان، مقایسه گرایش افراد و عوامل مستعدکننده مصرف مواد مخدر متناسب با تغییرات دنیای امروزی و عوامل نوظهور و ضرورت اکتساب سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و جامعه‌پذیری امری ضروری است. شناخت و تحلیل تأثیر جامعه‌پذیری، تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای نه تنها برای پژوهشگران، بلکه برای

برنامه‌ریزان اجتماعی، مسئولان آموزشی و خانواده‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. تحلیل تعامل این متغیرها می‌تواند به شناسایی راهکارهای مؤثر برای پیشگیری از اعتیاد کمک کند و منجر به طراحی برنامه‌های آموزشی و مداخلات اجتماعی شود که از تسهیل‌کننده‌های اجتماعی مثبت حمایت نموده و عوامل خطر را کاهش دهند. در نهایت، با آگاه‌سازی و توانمندسازی نوجوانان نسبت به گرایش به مصرف مواد مخدر، زمینه‌ی پیشگیری و درمان مناسب آنان از این عارضه‌ی جهانی را می‌توان مهیا نمود (هاجیها و همکاران، ۱۴۰۰). علاوه بر این، نتایج متناقض در زمینه تأثیر سواد رسانه‌ای در گرایش به مصرف مواد، ضرورت بررسی این رابطه در جامعه امروزی ایران را اذعان می‌کند. از طرفی با کنکاش در پایگاه‌های علمی معتبر پژوهشی یافت نشد که به بررسی همزمان اثر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای تفکر انتقادی، سواد رسانه‌ای و جامعه‌پذیری به همراه بررسی نقش میانجی‌گری نگرش به مصرف مواد پرداخته باشد که حاکی از خلأ پژوهشی در این حوزه است. در این پژوهش، نگرش به مواد به عنوان یک متغیر میانجی در نظر گرفته می‌شود. نگرش، به طور مستقیم بر رفتارهای فرد تأثیر می‌گذارد و از طریق ارتقاء تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای می‌تواند به تغییر نگرش به مصرف مواد کمک کند. از این رو، پیوند این چهار متغیر (تفکر انتقادی، سواد رسانه‌ای، جامعه‌پذیری و نگرش به مواد) با گرایش به مصرف مواد مخدر در دختران نوجوان زمینه‌ای مناسب برای تحقیق و بررسی فراهم می‌کند. از سوی دیگر، حساسیت و آسیب‌پذیری بیشتر دختران نوجوان با توجه به نقش تربیتی و اساسی که در آینده هر جامعه دارند، بیانگر ضرورت و اهمیت دو چندان پژوهش حاضر در جهت بررسی تأثیر عوامل مختلف در گرایش به مصرف مواد می‌باشد. به طور کلی، می‌توان گفت که ضرورت تحقیق در زمینه نقش متغیرهای روان‌شناختی و اجتماعی شامل تفکر انتقادی، سواد رسانه‌ای و جامعه‌پذیری در گرایش به مصرف مواد چند جنبه قابل توجه است: اول، افزایش گرایش به مصرف مواد مخدر. آمارهای رسمی و غیررسمی نشان می‌دهند که نسبت مصرف مواد در بین دختران نوجوان نسبت به گذشته افزایش یافته است (جعفری و صرفی، ۱۴۰۲). دوم، با توجه به نفوذ بالای رسانه‌های جمعی در زندگی روزمره نوجوانان، بررسی سواد رسانه‌ای به عنوان یکی از عوامل مؤثر در رفتارهای مصرفی

ضروری است (نیازی و گودرزی، ۱۴۰۲). سوم، نیاز به برنامه‌ریزی‌های پیشگیرانه. این تحقیق می‌تواند به طراحان سیاست‌های اجتماعی و آموزشی کمک کند تا با شناخت بهتر از متغیرهای مؤثر بر گرایش به مصرف مواد، برنامه‌های پیشگیرانه و آموزشی مناسب‌تری را طراحی و اجرا کنند (هاجیها و همکاران، ۱۴۰۰). بنابراین، تدوین مدلی برای پیش‌بینی گرایش به اعتیاد می‌تواند خلأ پژوهشی در این حوزه را کاهش دهد و به درک بهتر دلایل این گرایش و طراحی برنامه‌های پیشگیرانه کمک کند. با توجه به پیشینه پژوهشی سعی شده است به این سوال پاسخ داده شود که آیا عواملی همچون جامعه‌پذیری، تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای می‌توانند به صورت مستقیم و غیر مستقیم (بواسطه نگرش نسبت به مصرف مواد مخدر در نوجوانان) در گرایش آنان به مصرف مواد مخدر تاثیرگذار باشند؟ در پژوهش حاضر سعی شده است روابط متغیرهای ذکر شده را در قالب یک مدل ساختاری در جهت درک عمیق‌تر پدیده گرایش به مصرف مواد مخدر مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان راهنمایی جهت انجام مداخلات بعدی در راستای کاهش گرایش به مصرف مواد مخدر در دختران نوجوان فراهم آورد. مدل پیشنهادی اولیه به صورت شکل ۱ ترسیم شده است.



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

طرح این مطالعه مقطعی و از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش متشکل از تمامی نوجوانان دختر ۱۳ تا ۱۸ ساله شهر اصفهان در سال ۱۴۰۲ بود. طبق راهکار کلاین^۱ (۲۰۱۵)، نسبت ۲۰ نفر به ازای هر متغیر برای مطالعاتی که از روش معادلات ساختاری استفاده می‌کنند، مطلوب قلمداد می‌شود. بنابراین، در پژوهش حاضر جهت اطمینان بالای یافته‌ها و تعمیم‌دهی بهتر، حجم نمونه ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شد. نمونه‌گیری به صورت در دسترس در مناطق پنجگانه شهر اصفهان با مراجعه به مراکز فرهنگی، آموزشی و تفریحی همچون پارک‌ها انجام گرفت. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بود از: اعلام رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، داشتن شرط سنی ۱۳ تا ۱۸ سال، داشتن گوشی تلفن همراه اندروید یا هر وسیله‌ای که بتواند لینک پرسش‌نامه را دریافت کنند، نداشتن اختلال روانشناختی مشهود با ارزیابی علائم اختلالات روانی اصلی در قالب یک مصاحبه نیمه ساختار یافته کلی و سابقه مراجعه به روانپزشک. ملاک خروج از پژوهش شامل تکمیل ناقص پرسش‌نامه‌ها بود. در این مطالعه، اصول اخلاقی پژوهش شامل رعایت اصل گمنامی آزمودنی‌ها، رازداری و حفظ حریم خصوصی اشخاص و دریافت رضایت شخصی رعایت شد. داده‌ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون در نرم افزار SPSS-26 و روش مدلسازی معادلات ساختاری و روش بوت‌استروپینگ در نرم افزار AMOS تحلیل شدند.

ابزار

۱- پرسش‌نامه میزان گرایش به اعتیاد: این پرسش‌نامه توسط میرحسامی (۱۳۸۸) طراحی گردیده است که دارای ۱۶ گویه است و سه خرده مقیاس اجتماعی (۷ گویه)، فردی (۴ گویه) و محیطی (۵ گویه) می‌باشد. پاسخدهی به پرسش‌نامه به صورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) تعریف می‌شود. به منظور بدست آوردن امتیاز کلی پرسش‌نامه، مجموع امتیاز همه سوالات را با هم جمع می‌نماییم. بدیهی است که

این امتیاز دامنه‌ای از ۱۶ تا ۸۰ خواهد داشت و امتیاز بالاتر بیانگر میزان تمایل بیشتر شخص پاسخ‌دهنده به مصرف مواد خواهد بود و برعکس. روایی صوری این پرسش‌نامه در ایران توسط میرحسامی (۱۳۸۸) تایید شده است و پایایی آن را به شیوه‌ی آلفای کرونباخ ۰/۷۹ گزارش شده است. پایایی پرسش‌نامه در این پژوهش به شیوه‌ی آلفای کرونباخ ۰/۷۸ برآورد گردید.

۲- پرسش‌نامه مهارت‌های تفکر انتقادی^۱: این پرسش‌نامه در سال ۲۰۰۳ توسط ریکتس برای سنجش مهارت تفکر انتقادی افراد ساخته شده است و دارای ۳۳ سوال و سه خرده مقیاس گرایش به خلاقیت (۷ گویه)، گرایش به بختگی (۵ گویه) و گرایش به تعهد (۱۲ گویه) است. نمره‌گذاری پرسش‌نامه به صورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) می‌باشد. برای به دست آوردن امتیاز کلی پرسش‌نامه، امتیاز تمامی گویه‌ها با همدیگر جمع می‌شود. امتیازات بین ۳۳ تا ۶۶ نشان‌دهنده مهارت تفکر انتقادی ضعیف است. امتیازات بین ۶۶ تا ۹۹ نشان‌دهنده مهارت تفکر انتقادی متوسط و امتیازات بالای ۹۹ بیانگر مهارت تفکر انتقادی بسیار خوب است. ریکتس (۲۰۰۳) در پژوهشی که انجام داد روایی، پایایی و روایی سازه‌های این مقیاس را مورد تأیید قرار داد. هاتفی و همکاران (۱۳۹۵) پایایی این پرسش‌نامه را به شیوه‌ی آلفای کرونباخ ۰/۷۵ گزارش کردند و در این پژوهش ۰/۹۱ برآورد گردید.

۳- پرسش‌نامه استاندارد سواد رسانه‌ای: این پرسش‌نامه توسط فلسفی در سال ۱۳۹۳ ساخته شد و دارای ۲۰ سوال در ۵ خرده مقیاس آگاهی از اهداف پنهان پیام‌های رسانه‌ای (۴ گویه)، درک محتوای پیام‌های رسانه‌ای (۴ گویه)، گزینش آگاهانه پیام‌های رسانه‌ای (۴ گویه)، نگاه انتقادی به پیام‌های رسانه‌ای (۴ گویه) و تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای (۴ گویه) است. سوالات پرسش‌نامه بر اساس طیف لیکرت پنج گزینه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) می‌باشد. جهت نمره‌گذاری بایستی امتیازات خود را از ۲۰ عبارت فوق با یکدیگر جمع نمایید. حداقل امتیاز ممکن ۲۰ و حداکثر ۱۰۰ خواهد بود. در

پژوهش فلسفی (۱۳۹۳)، روایی محتوایی این ابزار تایید شده. علاوه بر این، تمامی گویه‌های استخراج شده در اختیار چند تن از اساتید و کارشناسان مرتبط با موضوع مورد مطالعه قرار گرفت و اشتراک نظر آنها بر گویه‌ها نشان‌دهنده معتبر بودن سنجه مورد نظر بود. در پژوهش فلسفی (۱۳۹۳)، آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه بالای ۰/۷۰ می‌باشد که به تفکیک هر مولفه بدین صورت است: آگاهی از اهداف پنهان پیام‌های رسانه‌ای ۰/۷۷، درک محتوای پیام‌های رسانه‌ای ۰/۸۲، گزینش آگاهانه پیام‌های رسانه‌ای ۰/۷۹، نگاه انتقادی به پیام‌های رسانه‌ای ۰/۸۰، و تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای ۰/۷۵. پایایی به شیوه‌ی آلفای کرونباخ ۰/۷۲ گزارش شده و در پژوهش حاضر پایایی آن به شیوه‌ی آلفای کرونباخ ۰/۷۸ برآورد گردید.

۴- پرسش‌نامه جامعه‌پذیری: این پرسش‌نامه توسط رالف کنز^۱ در سال ۱۹۸۸ ساخته شده و دارای ۳۳ گویه می‌باشد. این پرسش‌نامه دارای پنج خرده مقیاس همدلی (۷ گویه)، درک موقعیت (۷ گویه)، وضوح و روشنی (۶ گویه)، اعتماد (۶ گویه) و شخصیت (۷ گویه) می‌باشد. پاسخدهی به پرسش‌نامه به صورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) می‌باشد و حاصل جمع نمرات هر گویه نشان‌دهنده میزان هر مولفه در فرد می‌باشد. کریمی‌نیا و همکاران (۱۳۸۹) روایی صوری و محتوایی این ابزار را تایید کرده و پایایی آن به شیوه‌ی آلفای کرونباخ را ۰/۸۹ گزارش دادند. پایایی این ابزار در این مطالعه به شیوه آلفای کرونباخ ۰/۸۴ برآورد گردید.

۵- پرسش‌نامه نگرش نسبت به اعتیاد و مواد مخدر: این پرسش‌نامه توسط نظری (۱۳۸۴) ساخته شده است و دارای ۳۲ گویه می‌باشد. پاسخدهی به پرسش‌نامه به صورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای می‌باشد. نمره‌دهی در مورد آیت‌های مرتبط با نگرش مثبت به اعتیاد از کاملاً مخالفم = ۵ تا کاملاً موافقم = ۱ می‌باشد و در مورد آیت‌های مرتبط با نگرش منفی به اعتیاد، نمره‌گذاری معکوس انجام می‌شود. بنابراین دامنه نمرات فرد در این پرسش‌نامه بین ۳۲ تا ۱۶۰ در نوسان خواهد بود و کسب نمره پایین‌تر نشانگر نگرش مثبت

1 . socialization questionnaire of
Ralph Katz

نسبت به اعتیاد و مصرف مواد مخدر است، در حالی که کسب نمره بالاتر نشانگر نگرش منفی به مصرف مواد می‌باشد. به علت شیوه نمره‌دهی متفاوت گویه‌ها در این پرسش‌نامه، در مطالعه حاضر منظور از نگرش به اعتیاد، نگرش منفی به مصرف مواد در نظر گرفته شده است. اعتبار صوری و محتوایی و همچنین پایایی فرم موازی و همسانی درونی این مقیاس مطلوب گزارش شده (نظری، ۱۳۸۴) و پایایی به شیوه‌ی آلفای کرونباخ ۰/۸۹ بود (ننالی و برن استین^۱، ۱۹۹۴) در این مطالعه پایایی این ابزار به شیوه آلفای کرونباخ ۰/۹۲ برآورد گردید.

یافته‌ها

تعداد ۳۰۰ دختر نوجوان که همگی ساکن شهر اصفهان بودند در این مطالعه شرکت کردند. در میان شرکت کنندگان، ۰/۷ درصد ۱۳ ساله و مشغول به تحصیل در پایه هفتم، ۳ درصد ۱۴ ساله و مشغول به تحصیل در پایه هشتم، ۷/۳ درصد ۱۵ ساله و مشغول به تحصیل در پایه نهم، ۲۶/۷ درصد ۱۶ ساله و مشغول به تحصیل در پایه دهم، ۳۳/۷ درصد ۱۷ ساله و مشغول به تحصیل در پایه یازدهم و ۲۸/۷ درصد ۱۸ ساله و مشغول به تحصیل در پایه دوازدهم بودند. میانگین سنی نمونه ۱۶/۷۶ سال بود. در جدول ۱ شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش ذکر شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد
گرایش به مصرف مواد مخدر	فردی	۷/۸۰	۳/۰۱
	اجتماعی	۱۱/۹۷	۳/۹۴
	خانوادگی	۹/۴۱	۳/۷۵
تفکر انتقادی	کل	۲۹/۱۹	۸/۶۰
	خلاقیت	۴۲/۱۶	۷/۳۴
	پختگی	۲۹/۴۶	۴/۹۶
	تعهد	۳۶/۸۴	۵/۸۰
	کل	۱۰۸/۴۷	۱۶/۵۵
سواد رسانه‌ای	تحلیل	۱۲/۷۲	۲/۷۱

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد
جامعه‌پذیری	نگاه انتقادی	۱۲/۰۳	۲/۹۲
	گرینش	۱۵/۱۶	۲/۸۹
	اهداف	۱۴/۲۰	۳/۳۳
	محتوا	۱۴/۹۴	۲/۷۱
	کل	۶۹/۰۷	۱۰/۱۶
	همدلی	۲۳/۸۹	۳/۶۹
	درک موقعیت	۲۲/۳۶	۴/۴۰
	وضوح	۱۹/۳۳	۳/۲۷
	اعتماد	۱۹/۹۳	۴/۹۳
	شخصیت	۲۱/۶۴	۶/۲۶
	کل	۱۰۷/۱۶	۱۶/۸۷
	-	۱۲۳/۵۲	۲۰/۱۹
نگرش (منفی) به مصرف مواد			

نتایج جدول ۱ نشان‌دهنده این است که میانگین متغیرهای پژوهش و مؤلفه‌های آنها از ۱۲۳/۵۲ برای نگرش (منفی) به مصرف مواد تا ۷/۸۰ برای مؤلفه فردی گرایش به مصرف مواد در نوسان بود و انحراف استاندارد آنها از ۲۰/۱۹ برای نگرش (منفی) به مصرف مواد تا ۲/۷۱ برای مؤلفه‌های تحلیل و محتوای سواد رسانه‌ای متغیر بود. برای بررسی هم‌خطی چندگانه متغیرهای پیش‌بین پژوهش، از آماره‌های تحمل^۱ و عامل تورم واریانس^۲ استفاده گردید. بر اساس نظر کلاین (۲۰۱۵)، مقدار تحمل کمتر از ۰/۱۰ و عامل تورم واریانس بیشتر از ۱۰ نشان‌دهنده چندگانگی خطی است. نتایج داده‌ها نشان داد که ضریب تورم واریانس متغیرهای پیش‌بین تفکر انتقادی، سواد رسانه‌ای و جامعه‌پذیری در دامنه بین ۱ تا ۲ بود که کمتر از ۱۰ است و نشانگر نبود هم‌خطی قوی بین آنها بود. جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف^۳ استفاده شد که نتایج حاکی از آن بود که نمرات متغیرهای پژوهش دارای توزیع نرمال بودند ($p > 0/05$). همچنین، شاخص‌های کجی و کشیدگی همه متغیرهای آشکار بین ۲- و ۲ قرار داشت که نمایانگر

1. tolerance
2. variance inflation factor (VIF)

3. Kolmogorov-Smirnov test

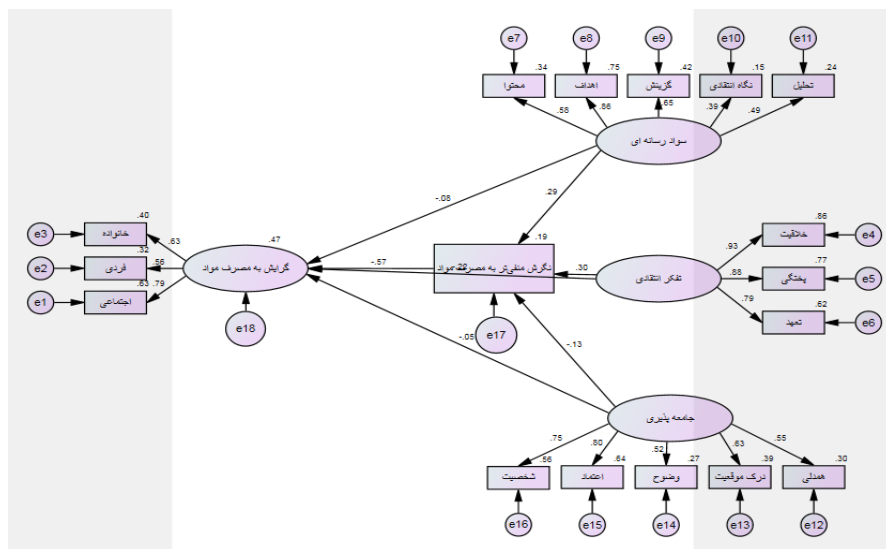
نرمال بودن توزیع متغیرها و مناسب بودن جهت انجام مدل معادلات ساختاری بود. به علاوه، در این تحقیق داده‌های پرت وجود نداشت. در جدول ۲ ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش ذکر شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
۱- تفکر انتقادی	-				
۲- سواد رسانه‌ای	۰/۳۳*	-			
۳- جامعه‌پذیری	۰/۲۱*	۰/۲۷*	-		
۴- نگرش (منفی) به مصرف مواد	۰/۳۴*	۰/۲۶*	۰/۰۰۲	-	
۵- گرایش به مصرف مواد مخدر	-۰/۳۶*	-۰/۲۶*	-۰/۰۸	-۰/۵۵*	-

* $p < ۰/۰۱$.

در بررسی همبستگی میان متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج جدول ۲ نشان داد که همبستگی‌های منفی و معناداری بین تفکر انتقادی و گرایش به مصرف مواد مخدر ($r = -۰/۳۶$)؛ بین سواد رسانه‌ای و گرایش به مصرف مواد مخدر ($r = -۰/۲۶$) و بین نگرش منفی به مصرف مواد و گرایش به مصرف مواد مخدر ($r = -۰/۵۵$) وجود داشت ($p < ۰/۰۱$)، در حالی که جامعه‌پذیری همبستگی معناداری با نگرش نسبت به مصرف مواد و گرایش به مصرف مواد مخدر نداشت ($p > ۰/۰۵$). بنابراین، نتایج نشان داد که سواد رسانه‌ای بیشتر و تفکر انتقادی قوی‌تر و نگرش منفی نسبت به مواد با گرایش کمتر با مصرف مواد مخدر در نوجوانان دختر همراه است. ضرایب استاندارد مسیرهای مدل پیشنهادی بر اساس نرم افزار ایموس در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲: برآورد مدل پیشنهادی

با توجه به ماهیت ارزیابی برازش مدل پژوهش حاضر که با هدف بررسی میزان توافق مدل مفروض اولیه و داده‌های تجربی انجام گرفت، در جدول ۳ شاخص‌های برازش مدل پیشنهادی و مدل اصلاح شده را بر اساس حد مطلوب پهلوان شریف و مهدویان (۱۳۹۳) ارائه شده است. در مدل‌سازی معادلات ساختاری شاخص‌های برازش مختلفی وجود دارد که مهم‌ترین شاخص‌هایی که بررسی آنها ارزش دارد شامل کای مربع بهنجار شده (CMIN/df)، شاخص نیکویی برازش^۱ (GFI)، شاخص نیکویی برازش تعدیل شده^۲ (AGFI)، شاخص برازش تطبیقی^۳ (CFI)، شاخص برازش هنجار شده^۴ (NFI)، شاخص توکر-لوویس^۵ (TLI)، و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد^۶ (RMSEA) هستند.

1. goodness of fit index (GFI)
2. adjusted goodness of fit index (AGFI)
3. comparative fit index (CFI)

4. normed fit index (NFI)
5. tucker-lewis index (TLI)
6. root mean square error of approximation (RMSEA)

جدول ۳: شاخص‌های برازش مدل مفروض و حد مطلوب

شاخص	p	DF	CMIN/DF	χ^2	RMSEA	GFI	AGFI	CFI	NFI	TLI
مقدار مطلوب > ۰/۰۵	-	کمتر از ۳: خوب	کمتر از ۰/۰۸ تا ۰/۱: متوسط	بیشتر از ۰/۱: ضعیف						
مدل پیشنهادی > ۰/۰۵	۱۱۷	۳/۲۳	۳۶۵/۱۳	۰/۰۸۶	۰/۸۷	۰/۸۲	۰/۸۶	۰/۸۱	۰/۸۳	
مدل اصلاح شده > ۰/۰۵	۴۵	۲/۶۳	۱۱۸/۴۸	۰/۰۷۴	۰/۹۳	۰/۸۹	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۲	

نتایج جدول ۳ بیانگر این است که مدل پیشنهادی اولیه دارای برازش مطلوب در بسیاری از شاخص‌ها نبود. در نتیجه، با حذف روابط غیر معنی‌دار و به کمک شاخص‌های اصلاحی^۱ پیشنهادی نرم افزار ایموس (پهلوان شریف و مهدویان، ۱۳۹۳) بین برخی از خرده مولفه‌های سواد رسانه‌ای (اهداف و نگاه انتقادی، نگاه انتقادی و تحلیل، نگاه انتقادی و گزینش، و محتوا و گزینش) و تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای، روابط دو طرفه برقرار شد و مدل اصلاح گردید. نتایج مدل اصلاح شده در جدول ۳ نشان داد که بر اساس معیار پهلوان شریف و مهدویان (۱۳۹۳) مدل اصلاح شده از برازش مطلوبی برخوردار است. جدول ۴ برآوردهای استاندارد و غیراستاندارد متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۴: برآورد استاندارد و غیر استاندارد اثر متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	برآورد		نسبت معناداری	ضریب تعیین
		غیر استاندارد	استاندارد		
تفکر انتقادی		-۰/۱۰	-۰/۲۲	-۳/۶۱	۰/۰۰۰**
سواد رسانه‌ای	گرایش به	-۰/۱۵	-۰/۰۸	-۱/۱۹	۰/۲۳
جامعه‌پذیری	مصرف مواد	-۰/۰۸	-۰/۰۵	-۰/۸۱	۰/۴۲
نگرش (منفی) به مصرف مواد مخدر	مخدر	-۰/۰۹	-۰/۵۶	-۸/۷۴	۰/۰۰۰**
تفکر انتقادی	نگرش (منفی) به	۰/۸۸	۰/۳۰	۵/۳۶	۰/۰۰۰**
سواد رسانه‌ای	مصرف مواد	۳/۶۰	۰/۲۹	۴/۵۱	۰/۰۰۰**
جامعه‌پذیری	مخدر	۱/۳۱	۰/۱۳	۲/۲۲	۰/۰۲*

* $p < ۰/۰۵$. ** $p < ۰/۰۰۱$

براساس جدول ۴، متغیرهای پیش‌بین توانستند ۰/۳۴ از تغییرات گرایش به مصرف مواد مخدر را تبیین کنند. از طرفی، تاثیر مستقیم تفکر انتقادی بر گرایش به مصرف مواد مخدر معنادار بود ($p < 0/001$). بنابراین، تاثیر تفکر انتقادی بر گرایش به مصرف مواد مخدر تایید شد، به طوری که با بالا رفتن نمرات تفکر انتقادی، نمرات گرایش به مصرف مواد مخدر کاهش می‌یابد. نتایج نشان داد که تاثیر مستقیم سواد رسانه‌ای و جامعه‌پذیری بر گرایش به مصرف مواد معنادار نبود. بنابراین، تاثیر مستقیم سواد رسانه‌ای و جامعه‌پذیری بر گرایش به مصرف مواد مخدر تایید نشد. به علاوه، اثر مستقیم تفکر انتقادی ($p < 0/001$)، سواد رسانه‌ای ($p < 0/001$) و جامعه‌پذیری ($p < 0/05$) بر نگرش منفی به مصرف مواد مخدر معنادار بود. در نتیجه، با افزایش نمرات تفکر انتقادی، سواد رسانه‌ای و جامعه‌پذیری، نگرش به مواد مخدر منفی می‌شود. به منظور آزمون معناداری نقش میانجی نگرش منفی به مصرف مواد مخدر در رابطه بین متغیرهای پیش‌بین و وابسته از آزمون بوت‌استروپینگ با ۲۰۰۰ نمونه استفاده شد (جدول ۵).

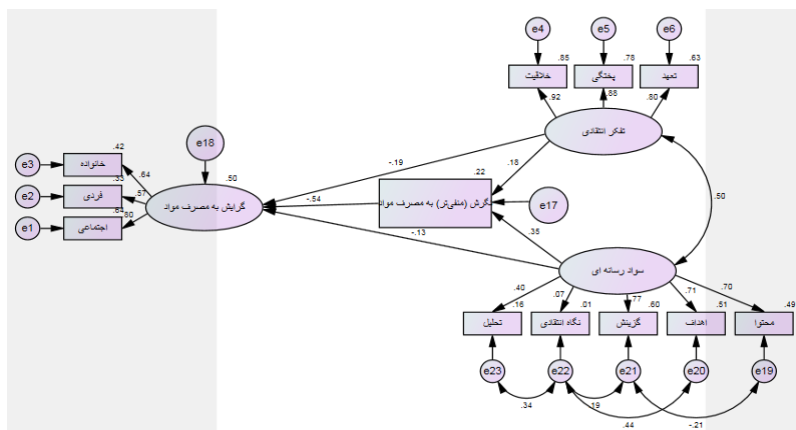
جدول ۵: نتایج بوت‌استروپینگ برای اثرات غیر مستقیم

مسیر	متغیر پیش‌بین	متغیر میانجی	متغیر ملاک	اثر غیر مستقیم	فاصله اطمینان ۹۵٪		معناداری
					حد بالا	حد پایین	
تفکر انتقادی	نگرش (منفی) به اعتیاد	گرایش به مصرف مواد	۰/۰۸	-۰/۰۳	-۰/۱۳	۰/۰۰۰**	
سواد رسانه‌ای	گرایش به مصرف مواد	۰/۳۱	-۰/۰۸	-۰/۷۰	۰/۰۰۱**		
جامعه‌پذیری	گرایش به مصرف مواد	۰/۱۱	۰/۳۱	-۰/۰۲	۰/۰۲۵*		

* $p < 0/05$. ** $p \leq 0/001$

طبق نتایج جدول ۵، مسیرهای غیر مستقیم مدل مبنی بر تاثیر غیر مستقیم تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای بر گرایش به مصرف با واسطه‌گری نگرش منفی به مصرف مواد مخدر تأیید شد و نگرش نسبت به مواد مخدر قادر به میانجی‌گری معنادار بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک بود ($p \leq 0/001$). به هر حال، اگرچه مقدار p کمتر از ۰/۰۵ بود، به علت قرار گرفتن صفر در بازه حد بالا و حد پایین مسیر غیر مستقیم جامعه‌پذیری و گرایش به مصرف مواد، معناداری این مسیر تأیید نشد. همانطور که ملاحظه شد سواد رسانه‌ای و جامعه‌پذیری بر

گرایش به مصرف مواد به طور مستقیم اثر نداشتند، اما تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای اثر غیر مستقیم بر گرایش به مصرف مواد مخدر از طریق میانجی‌گری نگرش منفی نسبت به مواد مخدر داشتند. ضرایب استاندارد مسیرهای مدل اصلاح شده در شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل ۳: برآورد مدل اصلاح شده

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی‌گری نگرش به مواد مخدر در رابطه تفکر انتقادی، سواد رسانه‌ای و جامعه‌پذیری با گرایش به مصرف مواد مخدر در دختران نوجوان شهر اصفهان بود. مطابق با یافته‌های پژوهش حاضر، مدل میانجی‌گری نگرش به مواد مخدر در رابطه بین گرایش به مصرف مواد مخدر و متغیرهای تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای در نوجوانان با اندکی اصلاحات بین روابط خرده‌مقیاس‌ها از برازش قابل قبولی برخوردار بود. نتایج مطالعه حاضر بیانگر مسیر رابطه مستقیم بین گرایش به مصرف مواد مخدر و تفکر انتقادی بود. نتایج این مسیر نشان داد که با افزایش نمرات تفکر انتقادی، نمرات گرایش به مصرف مواد مخدر کاهش می‌یافت. در خصوص مسیر اول، نتایج با یافته‌های مطالعات پیشین مبنی بر ارتباط منفی و معنی‌دار بین رشد تفکر انتقادی و کاهش گرایش به مصرف مواد، همسو بود (نظیر براتی، ۱۴۰۱؛ جعفری و صرفی، ۱۴۰۲؛ براون و همکاران، ۲۰۲۴؛ ناول، ۲۰۲۴؛ تریسی و همکاران، ۲۰۱۸؛ کایوکا، ۲۰۱۷؛ اقدام پناه فومنی و همکاران،

۱۴۰۳؛ قبادی و همکاران، ۱۳۹۹). در تبیین این یافته می توان اظهار داشت که تفکر انتقادی می تواند همچون ابزاری سودمند در جهت بالابردن قدرت تشخیص در مقابل حجم بالای اطلاعاتی امروزه باشد. نوجوانانی که سطوح بالای تفکر انتقادی را دارا میباشند در مقابل تبلیغات سوق دهنده فروشندگان مواد مخدر و همچنین ترغیب و پیشنهاد همسالان به مصرف مواد قانع نشده و به سایر جنبه های منفی مصرف مواد مخدر توجه می نمایند. در اصل، آنان می آموزند در مقابل ایده ها و فرضیات مختلف به استدلال و درک پیوند میان نظرات مختلف و واقعیت موجود استفاده کرده و صرفاً یک گیرنده منفعل اطلاعات نباشند. به عبارت دیگر، آیا استدلال ها و سایر ایده ها پیرامون اثرات مصرف مواد تصویر کلی واقعیت هستند یا می توانند تنها بخشی از مسائل ظاهری باشند. تریسی و همکاران (۲۰۱۸) بر این نظر هستند که با ارائه محتوای آموزشی مبتنی بر افزایش مهارت تفکر انتقادی نوجوانان در مدارس می توان موجب افزایش خود کارآمدی برای امتناع و پیشگیری آنان از مصرف مواد گردید. همچنین، براتی و همکاران (۲۰۲۲) بر این باورند که تفکر انتقادی یکی از مولفه های برنامه های پیشگیرانه مبتنی بر توانمندسازی فردی و اجتماعی نوجوانان در قبال رفتارهای پرخطر می باشد. از طرفی مشاهده شد نوجوانان با تفکر انتقادی رشد یافته قطعاً در مقابل مشکلات فشارزا با روحیه پرسشگری مواجه گردیده و قابلیت های ذهنی، شناختی و تفکر واقع بینانه داشته و بدون استدلال درست خود را در مسیر پیشنهادات غلط و مخاطره آمیز اما جذاب قرار نمی دهد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که نگرش منفی به اعتیاد در رابطه با تفکر انتقادی و گرایش به مصرف مواد مخدر نقش میانجی ایفا کرد. به گونه ای که تفکر انتقادی باعث منفی شدن نگرش به مصرف مواد می شود و نگرش منفی به مواد قاعدتاً گرایش به مصرف مواد را کاهش می دهد. این یافته ها همسو با نتایج مطالعات قبلی (نظیر بلوینز و همکاران، ۲۰۱۸؛ کایوکا، ۲۰۱۷؛ براتی و همکاران، ۱۳۹۹؛ قبادی و همکاران، ۲۰۲۰) بود. ایجاد نگرش منفی نسبت به مصرف مواد مخدر از مزایای رشد تفکر انتقادی در افراد است (کایوکا، ۲۰۱۷). معمولاً گرایش ها و انتخاب های نوجوانان نسبت به مصرف مواد می تواند حاصل نگرش مثبت به مصرف مواد باشد. ضمن اینکه آگاهی افراد نسبت به عواقب و

تأثیرات مواد مخدر نوع نگاه افراد را به مصرف مواد رقم می‌زند. در نتیجه، با تقویت نگرش‌های منفی آنان نسبت به مصرف مواد مخدر می‌توان تغییراتی در انتخاب‌ها در زمینه مصرف مواد ایجاد کرد (بلوینز و همکاران، ۲۰۱۸). مهارت تفکر انتقادی بر اساس ایجاد فرصت استدلال و درک درست نسبت به همه ابعاد مصرف مواد و عواقب مصرف آن این فرصت را به نوجوانان می‌دهد تا با ارزیابی منافع و مضرات مصرف مواد نوع نگرش خود را نسبت به آن اصلاح نمایند. در نهایت، نوجوانان با داشتن نگاه منفی نسبت به مصرف مواد که در سایه مهارت تفکر انتقادی کسب می‌نمایند، تمایل خود را نسبت به مصرف مواد در مواجهه با پیشنهاد از جانب دیگران تا حد زیادی از دست خواهند داد.

طبق نتایج پژوهش حاضر، ارتباط مستقیم و معنی‌دار بین میزان سواد رسانه‌ای و گرایش به مصرف مواد وجود نداشت. به عبارت دیگر، با افزایش یا کاهش نمرات سواد رسانه‌ای، نمرات گرایش به مصرف مواد مخدر تغییری نمی‌یافت. این یافته با یافته‌های مطالعات موجود (نظیر حاجیها و همکاران، ۱۴۰۰؛ لیو و همکاران، ۲۰۲۴؛ هابز، ۲۰۲۱؛ هیلارد، ۲۰۱۹؛ اسکال و همکاران، ۲۰۱۹؛ تریسی و همکاران، ۲۰۱۸؛ دنیلز و همکاران، ۲۰۱۷؛ براتی و همکاران، ۱۳۹۹؛ منتظری و همکاران، ۲۰۲۲) که اظهار کرده‌اند برای بهره‌مندی از مزایا و فرصت‌های فراهم شده توسط رسانه‌ها سواد کافی استفاده از آنها لازم است و در غیر این صورت، ابزارهای جدید زمینه‌ساز رفتارهای ناهنجار و گرایش‌های ناسالم همچون مصرف مواد مخدر گردد، همسو نیست. از سوی دیگر، نتایج پژوهش با یافته‌های مطالعه جورابچی و همکاران (۲۰۲۴) همسو بود و نشان داد که در جامعه ایران سواد رسانه‌ای در تغییر گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر به طور مستقیم موثر نمی‌باشد. این عدم همسویی در مطالعات اخیر می‌تواند ناشی از عوامل متعددی از جمله تفاوت در جامعه‌های آماری، تفاوت در ابزارهای سنجش، و روش‌شناسی متفاوت این پژوهش با مطالعات مذکور باشد. در واقع، مطابق با ادبیات پژوهشی انتظار بر آن بود که سواد رسانه‌ای بیشتر با گرایش کمتر به اعتیاد همراه باشد، اما این انتظار محقق نشد. دلایل مختلفی در این زمینه می‌توان مطرح کرد. برای مثال، اینکه شاید در این مطالعات سواد رسانه‌ای به معنای عام مورد ارزیابی قرار گرفته است. چنانچه اگر با استفاده از یک ابزار اختصاصی سواد

رسانه‌ای مبتنی بر توانمندی تحلیل محتوای پیام‌های مرتبط با مصرف مواد ارزیابی می‌شد، نتایج دیگری رقم می‌خورد. دلیل دیگر این است که احتمالاً نقش سایر عوامل مورد بررسی در گرایش به اعتیاد نوجوانان نظیر نگرش به مواد و تفکر انتقادی بسیار قوی‌تر از سواد رسانه‌ای بوده و در جریان ارزیابی مدل، که نقش سایر متغیرها تا حدودی کنترل می‌شود، این رابطه بسیار ضعیف‌تر شده باشد. علاوه بر این، به نظر می‌رسد نقش فشار اجتماعی از جانب دوستان به مراتب قوی‌تر از سواد رسانه‌ای عمل کرده باشد. از دیگر عوامل می‌توان به مشکلات روانی و عاطفی در نوجوانان اشاره کرد که می‌تواند باعث گرایش به مصرف مواد شود و از تأثیر بازدارنده سواد رسانه‌ای بر گرایش آنان جلوگیری نماید. تنوع رسانه‌ها نیز می‌تواند از عوامل تأثیرگذار در این مورد باشد که با افزایش تنوع و دسترسی به رسانه‌های مختلف نوجوانان ممکن است پیام‌های متضاد و مختلفی را دریافت کنند. این مسأله ممکن است منجر به سردرگمی و نداشتن توانایی ابراز یک واکنش صحیح نسبت به پیام‌ها شود. در واقع، اگر سواد رسانه‌ای نوجوان متناسب با تنوع رسانه‌های در دسترس وی نباشد، رسانه‌ای ممکن است به تنهایی کافی نباشد. به طور کلی، تبیین نداشتن رابطه معنی‌دار بین سواد رسانه‌ای و گرایش به مصرف مواد در حضور نگرش به مصرف مواد به درک چندوجهی از عوامل اجتماعی، فرهنگی و روانی موثر بر رفتارهای نوجوانان نیاز دارد. از سوی دیگر، نتایج نشان داد که نگرش به اعتیاد در رابطه سواد رسانه‌ای و گرایش به مصرف مواد مخدر نقش میانجی را ایفا کرد. این نتایج با یافته‌های حاصل از پژوهش‌های آجیلور و عبدل (۲۰۲۱)، المور و همکاران (۲۰۱۷)، دنیلز و وان‌وینسبرگ (۲۰۱۷) براتی و همکاران (۱۴۰۱)، قبادی و همکاران (۲۰۲۰) و بهرامیان و همکاران (۲۰۱۸) همسو بود. در اصل، رسانه‌ها ممکن است موجب شکل‌گیری نگرش جدید در افراد گردند. همانطور که اسکال و همکاران (۲۰۱۹) بیان کردند، امروزه شناخت‌ها و اطلاعات دریافت شده از رسانه‌ها می‌تواند نسبت به دانش و اطلاعاتی که نوجوانان از والدین و سایر همسالان خود دریافت می‌کنند، تأثیر بیشتری بر رفتارها و تصمیم‌گیری‌ها و نگرش آنان در سایر زمینه‌ها از جمله مصرف مواد مخدر داشته باشد. در مقوله مصرف مواد، هرچه پیام‌های کسب شده از سایر رسانه‌ها تأکید بر جنبه‌های مثبت

مواد مخدر و مصرف آنها داشته باشند، نوجوانانی که سواد رسانه‌ای پایینی داشته باشند تمایل بیشتری به جاذبه‌های غیر واقعی یا ناپایدار مصرف مواد پیدا خواهد کرد و نسبت به مصرف مواد نگاه خوشبینانه‌تری خواهند داشت (المور و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین، مداخلات مبتنی بر سواد رسانه‌ای و همچنین تفکر انتقادی می‌تواند به عنوان یک برنامه پیشگیری کارآمد و هدفمند در جهت ایجاد نگرش واقع‌بینانه و درست نسبت به عواقب و اثرات نامطلوب مواد مخدر و زمینه اجتناب از رفتارهای پرخطر مثل مصرف مواد مخدر ایجاد نماید. آموزش ارتقاء سواد رسانه‌ای می‌تواند با ایجاد نگرش منفی نسبت به عواقب و خطرات ناشی از مصرف مواد به تقویت پاسخ‌های منطقی نوجوانان و کاهش گرایش آنان به مصرف مواد گردد (منتظری و همکاران، ۲۰۲۲). همانطور که براتی و همکاران (۱۳۹۹) اذعان نمودند، آموزش مهارت‌های سواد رسانه‌ای باید در اهداف آموزشی و ایجاد نگرش و بینش منطقی نسبت به رفتارهای پرخطر و مصرف مواد ادغام گردد. در نهایت، برای کاهش گرایش نوجوانان به مصرف مواد باید به تأثیرات مخرب و متقاعدکننده رسانه و تبلیغات جهت عادی و جذاب جلوه دادن مصرف مواد مخدر که تأثیر بسزایی بر ایجاد نگرش مثبت نوجوانانی که سواد رسانه‌ای اندکی دارند، توجه گردد.

یافته‌های پژوهش نشان داد نه تنها رابطه مستقیم و معنی‌داری بین گرایش به مصرف مواد مخدر و جامعه‌پذیری نوجوانان وجود نداشت، بلکه نگرش به مصرف مواد نتوانست رابطه میان این دو متغیر را میانجیگری کند. این یافته همسو با یافته‌های مطالعات پیشین (نظیر منصور و کپ، ۲۰۲۴؛ زینودین حسن و همکاران، ۲۰۲۳؛ رینولدز و همکاران، ۲۰۲۳؛ خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰؛ دلیک و همکاران، ۲۰۱۷؛ عشایری و همکاران، ۱۴۰۳؛ ب؛ قبادی و همکاران، ۲۰۲۰؛ حسینی، ۱۴۰۰؛ کلوزی و همکاران، ۲۰۲۲؛ پومرنز و همکاران، ۲۰۲۲؛ چک و همکاران، ۲۰۲۲؛ لونتلیز و همکاران، ۲۰۲۳) نبود. این عدم همسویی را می‌توان ناشی از دلایل متعددی باشد. برای نمونه، عوامل محیطی و اجتماعی می‌تواند از دلایل احتمالی باشد، به طوری که گرایش به مصرف مواد به شدت تحت تأثیر محیط‌های اجتماعی و خانوادگی است. اگر نوجوانان در محیط‌هایی با الگوهای مصرف مواد نظیر دوستان یا خانواده‌های مبتلا به این مشکل قرار بگیرند، این تأثیر می‌تواند بر

جامعه‌پذیری آن‌ها غالب شود. عامل دیگر را می‌توان اختلاف در ارزش‌ها دانست. جامعه‌پذیری ممکن است به شکل‌گیری ارزش‌ها و هنجارهای مثبت در نوجوانان منجر شود، اما طبق نظریه گلوله جادویی اگر این ارزش‌ها در تضاد با آنچه که در رسانه‌ها ارائه شده باشند، چنانچه قدرت تاثیر گذاری رسانه‌ها بیشتر است، ممکن است تأثیر این هنجارها به حداقل برسد (مک کوایل، ۱۳۸۵). عامل دیگر تعریف نادرست جامعه‌پذیری است. جامعه‌پذیری به فرایند یادگیری هنجارها و ارزش‌های اجتماعی اشاره دارد، اما ممکن است نوجوانان تنها به پذیرش ظاهری این هنجارها بسنده کرده و در عمل از آنها پیروی نکنند. در این راستا، احتمالاً مبنای نظری تعریف جامعه‌پذیری در ابزار مورد استفاده در این مطالعه جهت سنجش این سازه متفاوت با انتظار ذهنی ما از جامعه‌پذیری باشد زیرا که بیشتر بر مفهوم انطباق‌پذیری با جامعه در قالب اعتماد، همدلی، پیوستگی و نظیر آن اشاره دارد. در نتیجه، این عوامل می‌توانند دلیل ناهمخوانی نتایج حاصله با مطالعات قبلی باشد. علاوه بر این، نوجوانانی که با مشکلات عاطفی یا اجتماعی مواجه‌اند حتی با وجود جامعه‌پذیری مثبت ممکن است به سمت مصرف مواد روی آورند. اهمیت نقش دوستان و همسالان است عامل احتمالی دیگر است (گیدنز، ۱۳۹۷) که اگر دوستان نوجوانان به مصرف مواد گرایش داشته باشند، ممکن است تأثیر جامعه‌پذیری دیگر منابع (مانند خانواده و مدرسه) کمرنگ‌تر گردد. همچنین، جامعه‌پذیری ممکن است نتواند به نوجوانان مهارت‌های زندگی لازم برای مقابله با فشارها و چالش‌های اجتماعی را بیاموزد. در نهایت، نبود رابطه معنی‌دار بین جامعه‌پذیری و نگرش و گرایش به مصرف مواد ناشی از تعامل پیچیده‌ای از عوامل فردی، اجتماعی و محیطی است که نیاز به بررسی دقیق و عمیق دارد و ضرورت مطالعات دقیق‌تر را ایجاب می‌کند.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش شواهد مطلوبی را برای تأیید نقش واسطه‌گری نگرش به اعتیاد در رابطه‌ی بین تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای بر گرایش به اعتیاد فراهم نمود. با وجود جدید بودن این مطالعه و نتایج مهم آن، این مطالعه دارای محدودیت‌هایی بود. محدود بودن نمونه آماری به دختران و نوجوانان از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر است که لازم است در تعمیم دهی به سایر نوجوانان پسر و گروه‌های سنی جنبه

احتیاط رعایت گردد. شایسته است که این پژوهش در سایر اقشار جامعه مانند پسران و گروه‌های سنی متفاوت صورت پذیرد و سایر مسیرهای غیر مستقیم بین متغیرهای پژوهش بررسی گردد. علاوه بر این، به علت عدم همکاری آموزش و پرورش در زمینه اعتیاد، امکان انتخاب نمونه تصادفی نبود و مجبور به نمونه‌گیری در دسترس بودیم که در تعمیم نتایج به جامعه آماری باید با احتیاط انجام شود. پیشنهاد می‌شود به بررسی سایر متغیرهای مهم روان‌شناختی و خانوادگی و اجتماعی موثر بر گرایش به اعتیاد به طور همزمان پرداخته شود. علاوه بر این، استفاده از مدل معادلات ساختاری در یک مطالعه مقطعی امکان استنباط روابط علت و معلولی را غیرممکن می‌سازد. همچنین، به لحاظ کاربردی، طبق نظر اندیشمندان حوزه اعتیاد مبنی بر این که با شناسایی عوامل زمینه‌ساز و محافظتی در راستای ارتقاء آگاهی نوجوانان به تدوین برنامه‌های پیشگیری کارآمد پرداخت (آکاچا و توران، ۲۰۲۳)، پیشنهاد می‌شود متولیان پیشگیری از اعتیاد و سیستم آموزشی نوجوانان با برگزاری دوره‌های ارتقای مهارت‌های سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و جامعه‌پذیری برای نوجوانان، والدین و مشاوران مدارس جهت آگاه‌سازی و پیشگیری از گرایش به مصرف مواد مخدر اقدام نمایند. همچنین، نقش صدا و سیما و سایر رسانه‌های گروهی در جهت تولید برنامه‌های تفریحی و جذاب با محوریت تقویت و ارتقای متغیرهای ذکر شده موثر خواهد بود.

قدردانی

از همه کسانی که در انجام این پژوهش صبورانه همکاری نمودند، قدردانی و تشکر می‌شود.

منابع

اقدام پناه فومنی، کبرا؛ مقتدر، لایلا؛ اسدی مجره، سامره و اکبری، بهمن (۱۴۰۳). مقایسه اثربخشی هیپنوتراپی شناختی و طرحواره درمانی بر دشواری تنظیم هیجان در افراد وابسته به مواد. فصلنامه اعتیاد پژوهی، ۱۸ (۷۲)، ۱۶۸-۱۴۵.

براتی، مجید؛ جورمند، هانیه؛ بشیریان، سعید؛ دوستی ایرانی، امین و رضاپور شاهکلایی، فروزان (۱۳۹۹). نقش رسانه‌ها بر قصد مصرف سیگار در نوجوانان: یک مرور نظام‌مند و فراتحلیل. *نشریه آموزش و سلامت جامعه*، ۴(۷)، ۳۲۳-۳۱۱.

بشرپور، سجاد و محمدنژاد دوین، عارفه (۱۴۰۱). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و ویژگی‌های سایکوپاتیک با آمادگی به اعتیاد: با آزمون نقش واسطه‌ای بی‌اشتیاقی اخلاقی. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۶(۶۵)، ۹۷-۱۲۰.

پهلوان شریف، سعید و مهدویان، وحید (۱۳۹۳). مدل‌سازی معادلات ساختاری با Amos. تهران: بیشه. جعفری، علی و صرّفی، مجید (۱۴۰۲). رابطه استفاده از انواع رسانه‌ها و گرایش به اعتیاد در میان شهروندان. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. doi: 10.22034/jesc.2021.73137.1452

حاجیه‌ها، ضحی؛ بهرامی احسان، هادی و رستمی، رضا (۱۴۰۰). عوامل خانوادگی، اجتماعی و محیطی آشکارساز و سوسه در زنان وابسته به مواد در شهر تهران: یک مطالعه نظریه زمینه‌ای. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۵(۵۹)، ۴۲-۱۱.

حسینی، محمدرضا (۱۴۰۰). شناسایی بسترهای گرایش به اعتیاد در استان لرستان (با تأکید بر رویکرد سنخ‌شناسی کیفی). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۰(۴)، ۱۱۷۹-۱۱۴۹.

خلیلی، افسر؛ سهرابی، فرامرز و افخمی‌اردکانی، رادمنش (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۵(۱۷)، ۹۱-۱۰۶.

صدری دمیرچی، اسماعیل؛ رئیس‌قره درویشلو، سجاد و رحیمی زرج‌آباد، نقی (۱۳۹۷). نقش الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی آمادگی به اعتیاد در جوانان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۲(۴۵)، ۱۳۰-۱۱۳.

عشایری، طاهّا؛ سعادت، موسی و جهان‌پرور، طاهره (۱۴۰۳ الف). مطالعه دلایل و عوامل موثر بر شیوع مصرف مواد مخدر (مورد مطالعه: سطح کشوری). *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۵(۱)، ۲۱۴-۱۹۵.

عشایری، طاهّا؛ صفری شالی، رضا و سعادت، موسی (۱۴۰۳ ب). پیش‌بینی دسترسی آسان به مواد مخدر بر اساس عوامل جامعه‌شناختی. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۸(۷۱)، ۲۵۴-۱۳۳.

فلسفی، سعید (۱۳۹۳). *بررسی رابطه سواد رسانه‌ای با سبک زندگی (مورد مطالعه: نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله دبیرستانی منطقه شش تهران)*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شرق تهران.

کریمی، یوسف (۱۳۹۶). *روانشناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات ارسباران.

کریمی‌نیا، رضا؛ سلیمی، حسین و امینی، علی (۱۳۸۹). رابطه سبک رهبری با فرهنگ سازمان و تعهد سازمانی در نیروهای انتظامی. *طب انتظامی*، ۱۲ (۲)، ۶۵-۷۰.

گودرزی، سعید و اله دادی، نورالدین (۱۴۰۳). پیش‌بینی میزان گرایش به مصرف مواد مخدر بر اساس عوامل فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی در دانشجویان. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۱۸ (۷۲)، ۱۸۸-۱۶۹.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

مرادی شکیب، آمنه؛ قدم‌پور، سمانه و سقایی پورسیفی، مهدیه (۱۳۹۶). مقایسه گرایش به مصرف مواد و مشکلات روان‌شناختی در نوجوانان عادی و آهسته‌گام. *فصلنامه توانمندسازی کودکان استثنایی*، ۸ (۲۱)، ۳۵-۴۳.

مک کویل، دنیس (۱۳۸۵). *نظریه ارتباطات جمعی*. ترجمه پرویز اجالالی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ای.

میرحسامی، شریف (۱۳۸۸). *بررسی نقش خانواده در گرایش جوانان و نوجوانان به اعتیاد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور تهران.

نظری، مریم (۱۳۸۴). *سواد اطلاعاتی*. مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

نیازی، محسن و گودرزی، فرشاد (۱۴۰۲). فراتحلیل مطالعات رابطه رسانه و سبک زندگی در ایران (مطالعه پژوهش‌های انجام‌شده در سال‌های ۱۳۹۰ - ۱۴۰۰). *فصلنامه علمی رسانه*، ۳۴ (۳)، ۵۴-۲۷.

هاتفی، سمیرا؛ اردکان، امین و حیدری، محمود (۱۳۹۵). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی سیاهه گرایش به تفکر انتقادی در بین دانشجویان دانشگاه‌های جامع شهر تهران. *روانشناسی شناختی*، ۱۰، ۱۴-۱.

یازرلو، رضا (۱۴۰۱). تحلیل جامعه‌شناختی گرایش به اعتیاد و تاثیر آن بر سلامت اجتماعی. *مجله سبک زندگی اسلامی*، ۶ (۴)، ۴۵۷-۴۶۸.

References

- Ajilore, K., & Abdul, O. (2021). Behind Closed Doors: The Impact of Social Media on Drug Dependency among Teenagers. *Journal of Management and Social Sciences*, 4(1, 2), 164-174.
- Akça, S. Ö., & Turan, A. P. (2023). Substance Abuse and Its Prevention in Adolescents. *Addicta: The Turkish Journal on Addictions*, 10(1), 86-92.
- Algarni, M., Hadi, M. A., Yahyouche, A., Mahmood, S., & Jalal, Z. (2021). A mixed-methods systematic review of the prevalence, reasons, associated harms and risk-reduction interventions of over-the-counter (OTC) medicines misuse, abuse and dependence in adults. *Journal of Pharmaceutical Policy and Practice*, 14(1), 76.
- Aufderheide, P. (2010). *Aspen media literacy conference report-part II: Proceedings and next steps*. Aspen Institute.

- Bahramian, E., Mazaheri, M. A., & Hasanzadeh, A. (2018). The relationship between media literacy and psychological well-being in adolescent girls in Semirom city. *Journal of Education and Health Promotion*, 7, 148.
- Berthelsen, D., Hayes, N., White, S. L., & Williams, K. E. (2017). Executive function in adolescence: Associations with child and family risk factors and self-regulation in early childhood. *Frontiers in Psychology*, 8, 903.
- Bhatia, D., Lewis, B., Farrior, H., Moore, A., & Nixon, S. J. (2023). Substance familiarity in middle childhood and adolescent substance use. *Drug and Alcohol Dependence*, 250, 110892.
- Blevins, C. E., Marsh, E., Banes, K. E., Stephens, R. S., Walker, D. D., & Roffman, R. A. (2018). The implications of cannabis policy changes in Washington on adolescent perception of risk, norms, attitudes, and substance use. *Substance Abuse: Research and Treatment*, 12, 1178221818815491.
- Caluzzi, G., Livingston, M., Holmes, J., MacLean, S., Lubman, D. I., Dietze, P., ... & Pennay, A. (2022). Response to commentaries:(de) normalization of drinking and its implications for young people, sociality, culture and epidemiology. *Addiction*, 117(5), 1217-1219.
- Chęć, M., Konieczny, K., & Gepert, K. (2022). Temperament as a risk factor for drug addiction in young adults. *Archives of Psychiatry and Psychotherapy*, 24(4), 7-15.
- Corongiu, S., Dessi, C., & Cadoni, C. (2020). Adolescence versus adulthood: Differences in basal mesolimbic and nigrostriatal dopamine transmission and response to drugs of abuse. *Addiction Biology*, 25(1), e12721.
- Daneels, R., & Vanwynsberghe, H. (2017). Mediating social media use: connecting parents mediation strategies and social media literacy. *Cyberpsychology: Journal of Psychosocial Research on Cyberspace.-Brno*, 11(3), 5.
- Delić, M., Kajdiž, K., & Pregelj, P. (2017). Association of the five-factor model personality traits and opioid addiction treatment outcome. *Psychiatria Danubina*, 29(3), 289-291.
- Di Lorenzo, R., Perrone, D., Montorsi, A., Balducci, J., Rovesti, S., & Ferri, P. (2020). Attitude towards drug therapy in a community mental health center evaluated by the drug attitude inventory. *Patient Preference and Adherence*, 14, 995-1010.
- East, K., McNeill, A., Thrasher, J. F., & Hitchman, S. C. (2021). Social norms as a predictor of smoking uptake among youth: A systematic review, meta-analysis and meta-regression of prospective cohort studies. *Addiction*, 116(11), 2953-2967.
- Elmore, K. C., Scull, T. M., & Kupersmidt, J. B. (2017). Media as a “super peer”: How adolescents interpret media messages predicts their perception of alcohol and tobacco use norms. *Journal of Youth and Adolescence*, 46(2), 376-387.
- Feingold, D. (2020). Attitudes towards substance use disorders among students in the social sciences: The role of gender and terminology. *Substance Use & Misuse*, 55(3), 519-523.

- Ghobadi, M., Kazemnezhad Leili, E., Jafari Asl, M., & Shafipour, S. Z. (2020). The relationship between social skills and attitude towards substance abuse among high school students. *Journal of Holistic Nursing And Midwifery*, 30(3), 151-158.
- Gritsenko, V., Gavronova, Y., Khalepo, O., Reznik, A., & Isralowitz, R. (2017). University student attitudes toward illicit drug use and trafficking in Russia. *International Journal of Mental Health and Addiction*, 15, 350-355.
- Hilliard, J. (2019). *The Influence of Social Media on Teen Drug Use*. <https://www.addictioncenter.com/community/social-media-teen-drug-use>.
- Hobbs, R. (2021). Hope matters: How an online learning community advanced emotional self-awareness and caring during the COVID-19 pandemic. *Journal of Media Literacy Education*, 13(3), 123-132.
- Joorabchi, T. N., Salleh, A., & Fouladiyan, M. (2024). The relationship between patterns of using internet, media literacy, alcohol consumption and drug abuse: A case of Malaysian youths. *African Journal of Alcohol and Drug Abuse*, 11(2), 94-111.
- Kauka, E. O. (2017). Ontological Basis of Liberation and Critical Thinking as a Soloution to Drug Abuse Among Kenyan Secondary School. *International Journal of Social Science and Humanities Research*, 5(4), 385-391.
- Kline, R. B. (2015). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*. Guilford Publications.
- Leventelis, C., Barmpas, P. T., Tasoulis, S., Katsouli, A., Stavropoulos, V., Karasavvidou, A., ... & Tsironi, M. (2023). Socio-demographic variables affect the management and administration of opioid agonists in patients under medication for addiction treatment during pandemic. <https://doi.org/10.21203/rs.3.rs-3485964/v1>
- Levrán, O., Peles, E., Randesi, M., Da Rosa, J. C., Ott, J., Rotrosen, J., & Kreek, M. J. (2016). Glutamatergic and GABAergic susceptibility loci for heroin and cocaine addiction in subjects of African and European ancestry. *Progress in Neuro-Psychopharmacology and Biological Psychiatry*, 64, 118-123.
- Liu, J., Charmaraman, L., & Bickham, D. (2024). Association Between Social Media Use and Substance Use Among Middle and High School-Aged Youth. *Substance Use & Misuse*, 59(7), 1039-1046.
- Mansur, N. A. R., & Kep, M. (2024). *Substance Abise and Adolescence: Causes, Effects, and Solutions*. Penerbit KBM Indonesia.
- McKenna, V. B., Sixsmith, J., & Barry, M. M. (2017). The Relevance of Context in Understanding health. literacy skills: Findings from a qualitative study. *Health Expectations*, 20(5), 1049-1060.
- Montazeri, L., Eslami, H., & Afshani, S. A. (2022). Role of Students' Media Literacy on Their Health: A Narrative Review. *Journal of Community Health Research*, 11(1), 45-53.
- Nawal, B. (2024). Dramatic Treatment Of Drug Addiction Through Media: From Persuasive Techniques To Dramatic Television Effects. *Journal of Namibian Studies: History Politics Culture*, 41, 289-312.

- Nunnally, J., C, Bernstein, I.H. (1994). *Psychometric Theory*, 3rd ed. New York: McGraw-Hill; p 246.
- Nwafor, K. A., Ezema, S. I., & Igwebuike, O. (2022). Social media use and substance abuse among young people in South-East, Nigeria. *Sau Journal of Management and Social Sciences*, 3(1), 7-14.
- Pomrenze, M. B., Paliarin, F., & Maiya, R. (2022). Friend of the devil: negative social influences driving substance use disorders. *Frontiers in Behavioral Beuroscience*, 16, 836996.
- Reynolds, M., Kirisci, L., & Tarter, R. (2023). Substance use disorder is the outcome of deviant socialization: A prospective investigation spanning childhood to adulthood. *Pharmacology Biochemistry and Behavior*, 227, 173585.
- Ricketts, J. C. (2003). The efficacy of leadership development, critical thinking dispositions, and student academic performance on the critical thinking skills of selected youth leaders University of Florida.
- Scull, T. M., Kupersmidt, J. B., & Erausquin, J. T. (2014). The impact of media-related cognitions on children's substance use outcomes in the context of parental and peer substance use. *Journal of Youth and Adolescence*, 43(5), 717-728.
- Thomasius, R., Arnaud, N., Holtmann, M., & Kiefer, F. (2020). Substance-related disorders in adolescence and young adulthood. *Zeitschrift Fur Kinder-Und Jugendpsychiatrie Und Psychotherapie*, 48(6), 448-452.
- Tracy, M., Kupersmidt, J. B., & Weatherholt, T. N. (2017). The effectiveness of online, family-based media literacy education for substance abuse prevention in elementary school children: Study of the Media Detective family program. *Journal of Community Psychology*, 45(6), 796-809.
- Zainudin hasan, Z., Adnan, A. J., Amanda, M., & Sadhana, P. (2023). Factors Causing Drugs Among Adolescents in Bandar Lampung City. *Enrichment: Journal of Multidisciplinary Research and Development*, 1(2), 39-43.